

با حکم رهبر انقلاب

حجت‌الاسلام ابراهیم کلانتری تولیت آستان شاهچراغ (ع) شد

صفحه ۲

شنبه ۶ شهریور ۱۴۰۰ | ۱۹ محرم ۱۴۴۲ | ۲۰۲۱ اگوست ۲۰۲۱ | سال سیزدهم | شماره ۳۲۸۸ | صفحه ۸۰۰ | ۲۰۰۰ تومان

تیتراهای امروز

سفر رئیسی به خوزستان و از تباط بی‌واسطه با مردم نشان از تفاوت رویکرد دولت وی با دولت قبل دارد

جمعه‌ها تعطیل نیست



صفحه ۲

قیمت هر شانه تخم مرغ: ۴۰۰ هزار تومان

شانه‌ها زیر بار گرانی

صفحه ۲

«وطن‌امروز» گزارش می‌دهد

راهکارهایی برای افزایش تولید و عرضه مسکن

فرمول شکستن قفل مسکن

صفحه ۲

«شبهک جاسوسی آمریکا در ایران»

با «عملیات ضد اطلاعاتی» تهران ناکام ماند

گور شدن چشم سیا در تهران

صفحه ۲

تعداد کل قربانیان ۱۰۵۲۸۷ نفر

۵۷۱

■ جان باختن ۵۷۱ هموطن بر اثر کرونا در ۲۴ ساعت

صفحه ۴

نگاه

گروگان بن سلمان و معیشت ملت لبنان

علیرضا کریمی: ۳ سال قبل، محمد بن‌سلمان، ولیعهد رژیم سعودی در سخنان خود در نشست سرمایه‌گذاری ریاض با لحنی تمسخرآمیز گفت: «نخست‌وزیر سعد حریری ۲ روز در عربستان می‌ماند و امیدوارم شایعه پخش نکنید که او به گروگان گرفته شده است.» این طعنه‌ای بود که ولیعهد سعودی به ماجرای سیل قبل از این اجلاس زده؛ ماجرای که در آن حریری پس از استعفا به عربستان سعودی رفت و به باور بسیاری از ناظران به گروگان رژیم سعودی و شخص بن‌سلمان تبدیل شد؛ شخصی که بسیاری از شاهدان‌گدان سعودی را هم به بند کشیده و به نوعی گروگان گرفته است، از جمله رقیب مشهورش «محمد بن‌نایف» را.

حریری که شش‌هفتاد سال سابقه فعالیت منطقه‌ای و بین‌المللی به اندازه دستمایه شوخی شدن در اجلاس ریاض پایین آمده، اخیراً در واکنش به اعلام خرید سوخت لبنان از ایران توسط دبیرکل حزب‌الله مدعی شد اعزام کشتی‌های حامل سوخت از ایران به لبنان «راهی است به سوی جهنم»

این در حالی است که حریری که مدتی قبل در تشکیک دولت لبنان شکست خورد و کناره‌گیری کرد، ظاهراً از وضع معیشتی مردم لبنان و شرایطی که کمبود فرآورده‌های سوختی برای آنان ایجاد کرده، بی‌خبر است. حریری که علاوه بر ملیت لبنانی از ملیت سعودی و فرانسوی برخوردار است، نه از صفوف طولانی بنزین در خیابان‌های بیروت و نه از بی‌برقی طولانی‌مدت لبنانی‌ها به‌عنوان شرایط جهنمی یاد نمی‌کند اما خرید سوخت تجار لبنانی از ایران را راهی به سوی جهنم می‌خواند و علیه آن پروپاگاندا راه می‌اندازد. کشتی‌هایی که از ایران به سوی لبنان در حرکت هستند، برای تأمین نیازهای روزمره مردم لبنان چنان حیاتی هستند که سیدحسن نصرالله امنیت آنها را در حکم امنیت خاک لبنان خوانده است. شاید نگرانی حریری از آن باشد که اگر حزب‌الله بتواند از طریق تعامل با ایران دست‌کم بخشی از نیازهای مردم لبنان را برطرف کند، ادعای او و همپالکی‌هایش در مقصر جلوه دادن مقاومت در وضعیت فعلی مردم لبنان دیگر خرباران نخواهد داشت. این شرایط البته برای مردم لبنان جهنم نخواهد بود اما برای حریری و همفکرانش در جریان ۱۴ مارس از جهنم هم بدتر است.

ادامه سایه بحران به معیشت ملت لبنان، بهشت جریان ۱۴ مارس و پاران حریری است؛ بهشتی که در آن «گروگان همیشگی بن‌سلمان» تلاش می‌کند هر از گاه ادای یک منتهی را دریاورد و باز قهر کند و در خانه بنشیند؛ همان داستان تکراری!

روزنامه صبح ایران

وطن امروز

۱۸۲۱سال و ۳۰۷روزگذشت |

VATAN-E-EMROOZ | VOL.13 | NO.3288 | SAT.AUG.28, 2021 | ISSN:2008-2886

گفت‌وگوی «وطن امروز» با نویسندگان و طراح بازی کتاب «کشتی نجات» با موضوع داستان بازی‌های مربوط به محرم

داستان کشتی نجات

صفحه ۵



صفحه ۷

سیاستمداران آمریکایی بر داخل این کشور و بسته شدن دست و پای این کشور در حوزه روابط بین‌الملل، یکی از خروجی‌های طبیعی شکست ایالات‌متحده در افغانستان محسوب می‌شود.

زمانی که تعریف یابازتعریف یک‌دکترین‌واستراتژی، بر گرفته از قدرت و خلاقیت باشد، با رشد و پویایی یک بازیگر در حوزه روابط بین‌الملل مواجه خواهیم بود اما زمانی که احیای یک‌دکترین یا حتی خلق یک‌دکترین از جدید در حوزه سیاست خارجی یک کشور، ناشی از ضعف، شکست و سردرگمی سیاستمداران آن کشور باشد ماجرا به طور کامل متفاوت خواهد بود!این دقیقاً همان اتفاقی است که امروز در آمریکا رخ داده و منجر به تحدید استراتژی‌ها، دکترین‌ها و روش‌های کلان آمریکا در تقابل با تعامل با بازیگران بین‌المللی شده‌است. قطعا شیوع سندروم کابل در بین شهروندان آمریکایی و افکار عمومی دنیا، جایی برای تحقق رویاپردازی‌های خام و متوهمانه صاحبان سستم و تزویر در کاخ سفید باقی نخواهد گذاشت.

❖ **دکترای روابط بین‌الملل**

سرمایه‌داری سراغ آن بروند، دکترین «مونروئه» است. این دکترین توسط «جیمز مونروئه»، رئیس‌جمهور وقت آمریکا در دوم دسامبر ۱۸۲۳ اعلام شد. بر اساس این دکترین، آمریکا از دخالت در امور خارج نیمکره غربی منع می‌شود و هم‌زمان اجازه نمی‌دهد قدرت‌های اروپایی در امور این قاره دخالت کنند. جریان‌های خمیرمایه این سندروم فراگیر را این گزاره مهم تشکیل می‌دهد: «محصول جنگ‌افروزی، تحمیل دمو کراسی آمریکایی و مداخله نظامی ایالات‌متحده در کشورهای دیگر در نهایت چیزی جز شکست و تباهی نخواهد بود؛ شکستی که شهروندان و سیاستمداران آمریکایی و متحدان این کشور، ناچارند هزینه‌های آن را سالیان دراز تحمل کنند».

در این میان، سیاستمداران آمریکایی به‌رغم میل ذاتی خود به توحش و مداخله‌گرایی، در نهایت ناچار خواهند شد میان ۲ گزینه «حیاسی‌دکترین‌های بازدارنده» یا «خلق دکترین‌های جدید بر مبنای عدم مداخله‌گرایی» دست به انتخاب بزنند. یکی از چارچوب‌های مفهومی و عملیاتی‌ای که ممکن است استراتژیست‌های آمریکایی جهت نجات جان نظام

حضور ۲۰ ساله آمریکا در افغانستان، فرار هزاران آمریکایی از پایگاه بگرام و فرودگاه کابل و رها شدن مزدوران و همکاران نیروهای اشغالگر آمریکایی در افغانستان، جملگی شبیه‌سازی سایگون و کابل را به یکدیگر ممکن می‌سازد اما باید توجه داشت دامنه و عمق شکست واشنگتن در کابل، به‌مراتب بیشتر از سایگون است؛ فراموش نکنیم شکست مطلق کاخ سفید در افغانستان، نخستین شکست‌سنجین ایالات‌متحده در قرن بیست‌ویکم و هزاره سوم محسوب می‌شود. اگر چه آمریکا قبلاً در پروسه سرنگونی نظام سیاسی سوریه و ایجاد جنگ نیابتی علیه محور مقاومت (از طریق تالیس داعش و حمایت از آن) ناکام ماند اما شکست افغانستان، رسمی‌ترین شکست واشنگتن در نظام بین‌الملل در عصر کنونی محسوب می‌شود.

بدون شک در آینده نزدیک، اصطلاحی به نام «سندروم کابل» نیز در بین افکار عمومی آمریکا رایج خواهد شد. اما سندروم کابل چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟ پس از خروج ارتش ایالات‌متحده از ویتنام و شکست آن در سایگون، اصطلاح «سندروم سایگون»

حنیف غفاری: این روزها بازار همسان‌سازی «سایگون» و «کابل» در رسانه‌های غرب بسیار داغ است. تحلیلگران آمریکایی و اروپایی معتقدند آنچه در جریان فرار نیروهای آمریکایی از افغانستان روی داد، تا حد زیادی مشابه شکست واشنگتن در ویتنام بود. این مقایسه تا حدودی درست به نظر می‌رسد اما تفاوت‌هایی نیز در این باره وجود دارد که نمی‌توان بسادگی از کنار آنها گذشت! جنگ ویتنام شمالی و ویتنام جنوبی و متحد اصلی آن، ایالات‌متحده آمریکا، جنگ ویتنام، جنگی طولانی و پرهزینه برای آمریکا بود که ۲۰ سال طول کشید. عبارت «سقوط سایگون» به تصرف سایگون، پایتخت ویتنام جنوبی توسط نیروهای کمونیستی ارتش خلق ویتنام موسوم به «ویت‌کنگ» اشاره دارد. آمریکا سال ۱۹۷۲، نیروهای خود را از ویتنام جنوبی خارج کرد. جنگ ویتنام منجر به هلاکت ۵۸ هزار نیروی آمریکایی و تحمیل میلیاردها دلار هزینه نظامی به رؤسای‌جمهور دموکرات و جمهوری‌خواه شد.

یادداشت

دانیال داودی: ما در کشورمان تقریباً ۶۰ میلیون نفر جمعیت بالای ۱۸ سال داریم، بنابراین اگر بپذیریم برای واکسیناسیون هر نفر تنها ۲ دوز کافی است، به ۱۲۰ میلیون دوز واکسن احتیاج داریم، البته با احتساب افرادی که هر ساله به سن ۱۸ سال می‌رسند و همچنین پذیرش تحقیقات جدید (که می‌گویند اثر بخشی برخی واکسن‌ها پس از مدتی کاهش می‌یابد و تزریق دوز سوم ضرورت پیدا می‌کند)، میزان واکسن مورد نیاز حتی از این میزان نیز فراتر می‌رود. در چنین شرایطی اگر بشود به سرعت واکسن خارجی با قیمتی ارزان‌تر از مشابه داخلی وارد کنیم، اولویت با واردات است. همچنین اگر مشابه داخلی به‌صرفه‌تر باشد ولی دستیابی به تکنولوژی تولید انبوه زمانبر باشد، لازم است هم‌زمان روی پروژه تولید داخل و واردات سرمایه‌گذاری شود. اکنون سوال اینجاست که مادر کشورمان با چه شرایطی مواجه بودیم و چه تدابیری اتخاذ کردیم؟

دیدگاه

در حالی که تنها در ۲ ماه تیر و مرداد، این رقم به بیش از ۱۲ میلیون و ۵۰۰ هزار دوز رسیده است، نقل‌قول علیرضارئیسی-سخنگوی ستاد کرونا-از مقامات چینی که گفته بودند: «اسم ما را نیاورید...» اگر آمریکا بفهمد به شما واکسن داده‌ایم، برخی مواد تولید واکسن را به ما نمی‌دهد» نیز مؤید مشکل واردات در این ۴ ماه حیاتی است.

ماجرای بخش خصوصی

بنابراین ایران می‌دانست در واردات با مشکلاتی مواجه است؛ این ادعا که اگر دولت به بخش خصوصی مجوز واردات می‌داد، مشکل حل می‌شد نیز صحیح نیست چرا که تحریم‌ها فقط مربوط به دولت ایران نیست و کار را برای بخش خصوصی نیز بسیار دشوار کرده است. آمارهای معموله‌های وارداتی نشان می‌دهد خروجی صدور ۲۸ مجوز برای واردات واکسن کرونا توسط بخش خصوصی، تنها ۳۱۴ هزار دوز واکسن است؛ازتکا روزسیه بوده است. علاوه بر این، محدودیت‌های هلال‌احمر به عنوان یک نهاد غیردولتی به مراتب کمتر از بخش خصوصی است؛ با این حال از فروردین‌ماه سال جاری به هلال‌احمر مجوز واردات داده شد ولی در اردیبهشت و خرداد به طور میانگین از طریق این نهاد تنها ۱/۵ میلیون دوز وارد شد. اگر همین روال ادامه پیدا می‌کرد (یعنی تحریم‌ها برداشته نمی‌شد و ما مجبور به واردات قطره‌چکانی بودیم) واردات دست‌کم ۱۲۰ میلیون دوز مورد نیاز ما بیش از ۶ سال و نیم طول می‌کشید، بنابراین ایران چاره‌ای جز حرکت به سمت ساخت واکسن داخلی نداشت.

توجیه اقتصادی برکت

از این منظر، سیاست تلاش برای ساخت واکسن

از سندروم سایگون تا سندروم کابل

در آمریکا رایج شد که بیان‌کننده عدم تعادل شهروندان آمریکایی به مداخله نظامی این کشور در خارج از مرزهایش است. اکنون ما با شکل‌گیری پدیده‌ای به نام «سندروم کابل» در بین آمریکایی‌ها مواجه هستیم که به مراتب نسبت به «سندروم سایگون» شایع‌تر است. عمق شکست واشنگتن در کابل، به‌مراتب بیشتر از سایگون است؛ فراموش نکنیم شکست مطلق کاخ سفید در افغانستان، نخستین شکست‌سنجین ایالات‌متحده در قرن بیست‌ویکم و هزاره سوم محسوب می‌شود. اگر چه آمریکا قبلاً در پروسه سرنگونی نظام سیاسی سوریه و ایجاد جنگ نیابتی علیه محور مقاومت (از طریق تالیس داعش و حمایت از آن) ناکام ماند اما شکست افغانستان، رسمی‌ترین شکست واشنگتن در نظام بین‌الملل در عصر کنونی محسوب می‌شود.

بدون شک در آینده نزدیک، اصطلاحی به نام «سندروم کابل» نیز در بین افکار عمومی آمریکا رایج خواهد شد. اما سندروم کابل چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟ پس از خروج ارتش ایالات‌متحده از ویتنام و شکست آن در سایگون، اصطلاح «سندروم سایگون»

پشت پرده‌های اقتصادی تولید و واردات واکسن کرونا

داخلی (بویژه با توجه به اینکه توان تولید آن در دانشمندان ایرانی وجود داشت)، اقدامی بسیار هوشمندانه بود و البته گریزی هم از آن وجود نداشت. با همان بررسی‌های اولیه، صرفه اقتصادی هم داشت. به گفته محمدرضا شانه‌ساز – معاون وزیر بهداشت و رئیس سازمان غذا و دارو- هزینه تمام‌شده هر دوز واکسن برکت برابر با ۲۰۰ هزار تومان است که با ارز نیما، معادل ۸ تا ۹ دلار می‌شود. این در حالی است که هزینه واکسن‌های خارجی دست‌کم ۲ برابر این رقم است و البته در آن ۴ ماه که تحت تحریم‌های آمریکایی بودیم، باید هزینه‌های بیشتری برای دور زدن تحریم‌ها نیز می‌پرداختیم. البته این بدان معنا نیست که ما چون منابع مالی را در برکت سرمایه‌گذاری کردیم، ارز برای واردات نداشتیم. این ادعا به ۲ دلیل مضحک است: نخست آنکه بخش قابل توجهی از مخارج ساخت واکسن برکت (اعم از منابع مورد نیاز برای ساخت ساختمان برکت پرداخت حقوق و دستمزد به نیروی کار متخصص داخلی و...) اساساً با ریال پرداخت می‌شود، نه دلار. در ثانی ما برای واردات به کواکس، روسیه و هند پرداخت داشتیم ولی با بدمدعی و مشکلات به دلایل مختلف از جمله تحریم‌ها در آن ۴ ماه مواجه بودیم.

فرضیه بی‌رقیب

بنابراین ما برای تولید و واردات به اندازه کافی پول داشتیم و مشکل واردات – بویژه در ۴ ماه تحریمی- را نمی‌توان به دلیل کمبود ارز دانست. از دیگر توجیهات اقتصادی واکسن برکت آن است که درست چند روز پس از صدور مجوز مصرف این واکسن، آمریکایی‌ها تحریم‌های صادرات واکسن به ایران را برداشتند. بدیهی است تا اسناد محرمانه دلیل برداشتن تحریم‌ها توسط

بیشتر، از چین وارد کنیم و تقریباً ۱۰ میلیون نفر زودتر در کشور واکسینه شوند بنابراین به نظر می‌رسد سیاست حمایت از واکسن داخلی، علاوه بر آنکه یک ضرورت بود و توجیه اقتصادی نیز داشت، حتی باعث برداشته شدن تحریم‌های واردات واکسن نیز شده؛ یعنی نه تنها تولید واکسن برکت را نمی‌توان مانعی برای واردات دانست، بلکه بنا به این فرضیه بی‌رقیب، تسهیلگر واردات نیز بود.

هم تولید، هم واردات

برخی البته ادعا می‌کنند برداشتن منع صادرات واکسن به ایران از سوی وزارت دارایی آمریکا، ربطی به ساخت واکسن داخلی ندارد چون فقط تحریم ایران برداشته نشد، بلکه تحریم‌های سسوریه و ونزوئلا نیز برداشته شد. بنابراین مساله منحصر به ایران نیست. این ادعایمی‌تواند صحیح باشد چون برای آمریکایی‌ها روشن است که به دلیل ساختار تحریم‌های ثانویه، برداشتن تحریم‌های ایران به معنای برداشتن تحریم‌های سوریه و ونزوئلا نیز هست. کما اینکه دیدیم در همان ۴ ماه تحریمی، چین برای صادرات واکسن به ونزوئلا نیز از ایران به عنوان مسیر ترانزیتی استفاده می‌کرد و از این طریق، تحریم‌ها را دور می‌زد. بیش از آن نیز این ۲ راهکار در اختیار ایران (چه از طریق دولت یا از طریق هلال‌احمر و بخش خصوصی) وجود نداشت. همچنین پیگیری هم‌زمان تولید و واردات واکسن، سیاستی معقول بود و نمی‌توان به دلایل غیرواقعی – مانند کمبود ارز مورد نیاز و... – واردات و تولید را در مقابل هم قرار داد.